

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

عنوان

سیره سیاسی ائمه معصومین):

از دیدگاه امام خمینی(ره)

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی

نگارش و پژوهش

عذرا باباکریمی

1385

تقدیم:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)

تقدیم به محضر حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ((9)) خاتم الانبیاء و خاندان پاکش که در راه سعادت بشریت از هیچ کوششی دریغ ننموده‌اند. انوارهدایتی که متصل به منبع نور ازلی و روشن کننده راه ابدی‌اند و حبل المتین محکم‌الهی و صراط المستقیم ایمانند.

ماه فرو ماند از جمال محمد
سرو نباشد به اعتدال محمد
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
عشق محمد بس است و آل محمد

تشکر و قدردانی

با تشکر از استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر منصور میراحمدی که تلاش‌شایان توجهی را در امر تدوین این پایان‌نامه نمودند.

و همچنین با تشکر از استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر نجف لکزایی که با عنایت خاص خویش امر مشاوره را بر عهده گرفتند، ضمن تقدیر و سپاس از همه‌علماء، اساتید و دوستانی که مرا در این امر تشویق و راهنمایی و یاری فرمودند. همچنین با تشکر فراوان از مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، کتابخانه تخصصی مرکز نشر و تنظیم آثار امام خمینی که با همکاری بی‌دریغ خویش، مسیر پژوهش را هموار نمودند.

در پایان با تشکر از همسرم حاج آقا عباسی که بار دیگر مرا با علم و دانش، آشتی‌داد و مرا در امر ادامه تحصیل و کسب علم تشویق و یاری نمودند و با تشکر از مادرم که در اثنای تحصیل از هیچ کوشش فروگذار ننموده‌اند و ضمن تقدیر از دو فرزندم مجتبی و محسن که سختی‌های زیادی را در این مسیر تحمل نمودند.

چکیده

در پژوهش حاضر در پی این سؤال که مفهوم سیره سیاسی معصومین: (و اصول حاکم بر آن از دیدگاه امام خمینی چیست؟ این فرضیه ارائه شد. که سیره سیاسی معصومین: (از دیدگاه امام خمینی به مفهوم روش و اسلوب خاصی است که ائمه): (در قول و فعل و تقریر خود در حوزه سیاسی و زندگی سیاسی اجتماعی به کار گرفته‌اند و اصول حاکم بر سیره عبارت از عدالت، قانون‌گرایی، مصلحت‌گرایی، امر به معروف و نهی از منکر و قدرت می‌باشد. از آنجا که در اندیشه شیعه قول و فعل و تقریر معصوم (7) حجت است و مسلماً بخشی از این قول و فعل و تقریر به امور سیاسی - اجتماعی تعلق می‌گیرد. در پژوهش حاضر تحت‌عنوان سیره سیاسی ائمه

معصومین): (از دیدگاه امام خمینی؛ نیز سیره سیاسی آن بزرگواران به عنوان الگوهای کامل و عملی در تاریخ اسلام مدنظر قرار گرفت از دید امام راحل سیره ائمه معصومین): (در تمامی شئون ملاک عمل می باشد. بررسی روش های متفاوت معصومین): (در مبارزات سیاسی نشان می دهد که اگرچه در ظاهر برخی از این سیره ها متفاوت به نظر می رسد و در هر مقطع زمانی سیره خاص و مشخصی از معصومین): (ارائه گردیده است اما بر این سیره ها اصول مشترکی که دارای ماهیت عقلی - شرعی هستند حاکم می باشد. اصول ثابت و مشترکی که رنگ زمانه به خود نمی گیرد و فقط مصادیق آنها در زمان های گوناگون متفاوت می باشد. اصول مشترکی چون عدالت که در سیره و زندگی فردی - اجتماعی - سیاسی ائمه به وضوح مشهور است. به گونه ای که در سیره همگی آنها شاخه های این اصل از جمله نفی انظلام و استرحام، نفی عذر و خیانت، نفی تعدی به حقوق دیگران مشاهده می شود، همچنین قیام بر علیه ظلم و جور در تمامی زمان ها با اشکال متفاوت در سیره آنها به چشم می خورد. این اصل ما را به اصل دیگری رهنمون می شود. اهتمام به قانون و تبعیت و اجرای آن با توجه به عنصر مقتضیات زمان اصل است که به عنوان امری قطعی و مسلم در سیره آنها محسوب می شود. در واقع بی توجهی به قانون در سیره آنها جایگاهی ندارد و یا عدالت آنها سازگار نمی باشد. از طرفی در اسلام عدالت فردی و اجتماعی به عنوان هدف قانون گذار و قانون الهی مدنظر است. در این راستا قانون الهی بر اساس عدالت و به منظور عدالت فردی و اجتماعی وضع گردیده است. و هدف آن نفع و مصلحت همه مردم می باشد. لذا عنصر مصلحت اسلام و مسلمین به عنوان عنصری تأثیرگذار در سیره آن بزرگواران نمود یافته به گونه ای که بررسی گردید ائمه مسلمین در موارد بسیاری این سیره و روش خویش را در این جهت هدایت کردند. آن بزرگواران در راستای ایجاد عدالت فردی اجتماعی و اجرای قانون الهی - کتاب و سنت - سعی نمودند با توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ارشاد و هدایت خلق به سوی حق را عملی سازند این اصل به عنوان اصل مبقیه اسلام و اصلی فراگیر محسوب می گردد و می توان گفت تمام اهداف مثبت و منفی اسلامی از جمله تشکیل حکومت را در بر می گیرد. در واقع عملی شدن اصول فوق بدون توجه به بزرگترین معروف سیاسی که همان حکومت است، امکان نمی باشد. از طرفی وجود حکومت بدون توجه به اصل اقتدار و قدرت معنا و مفهوم نمی یابد. در هر نظامی آنچه به حکومت به عنوان ابزار اجرای قانون مشروعیت می بخشد منشاء و منبع قانونی و عقلانی قدرت و اقتدار می باشد. لذا این اصل در سیره ائمه): (از اهمیت خاصی برخوردار است.

رفهرست مطالب ...)

فهرست مطالب

- مقدمه: طرح تحقیق ... 1
- 1 - بیان مسأله ... 2
- 2 - علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده‌ی آن ... 2
- 3 - سابقه‌ی پژوهش ... 3
- 4 - سؤال اصلی ... 4
- 5 - فرضیه‌های پژوهش ... 4
- 6 - مفاهیم ... 4
- 7 - سؤالات فرعی پژوهش ... 4
- 8 - پیش فرض‌های پژوهش ... 5
- 9 - اهداف پژوهش (شامل اهداف علمی، کاربردی، ضرورت‌های خاص) ... 6
- 10 - روش پژوهش ... 6
- 11 - روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات ... 6
- 12 - سازمان‌دهی پژوهش ... 6

فصل اول: چارچوب نظری و مفاهیم ... 8

مقدمه: ... 9

- نگرش ارگانیکی و جامع به مکتب اسلام ... 9
- سنت و حجیت آن ... 10
- جایگاه سنت پیامبر (9) و ائمه اطهار: (در حوزه‌ی تشریح ... 11
- ائمه معصومین: (... 13
- سیره و رفتار ... 13
- اقسام سیره از دیدگاه شهید مطهری ... 15
- نمودار 1 - اقسام سیره ... 16
- اقسام سیره ... 16

- سیره‌ی سیاسی معصومین(:(... 17
- رابطه سیره و سنت ... 17
- رابطه‌ی بینش و سیره‌ی سیاسی ... 20
- الگوهای بینشی و نقطه اتکا آنان ... 20
- نمودار 2 - رابطه بینش و سیره سیاسی با توجه به الگوهای بینشی ... 22
- حجیت سیره سیاسی ... 22
- بررسی اهمیت اصول حاکم بر سیره سیاسی ائمه(:(... 23
- اصول حاکم بر سیره‌ی سیاسی ائمه معصومین(:(از دیدگاه شهید مطهری ... 27
- 1 - اصل عدالت ... 29
- اقسام عدالت از دیدگاه شهید مطهری ... 30
- 2 - اصل قانون و تبعیت از آن ... 30
- رابطه‌ی عدالت و قانون ... 31
- 3 - اصل مصلحت و مصلحت‌اندیشی ... 33
- مفهوم مصلحت و اقسام آن ... 33
- تفاوت مصلحت در تفکر شیعه و سنی ... 34
- 4 - اصل امر به معروف و نهی از منکر ... 36
- مفهوم امر به معروف و نهی از منکر ... 37
- امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقای اسلام ... 37
- 4 - اصل قدرت ... 38
- تطبیق نظرات امام راحل با توجه به اصول حاکم بر سیره ... 40
- نمودار 3 - اصول حاکم بر سیره سیاسی معصومین(ع) ... 42
- فصل دوم: سیره سیاسی ائمه(:(از دیدگاه امام خمینی ... 43
- مقدمه ... 44
- گفتار اول: پیش فرض‌های اساسی امام راحل در فهم سیره‌ی سیاسی معصومین(:(... 45
- 1 - برداشت و تفسیر جامع از اسلام ... 45
- 2 - نگرش ارکانیسمی به جامعه توحیدی ... 46

- 1 - 2 - قلمرو فقه یا (ایدئولوژی ... (ideology 47
- 2 - 3 - علم فقه و فقه سیاسی مقدمه عمل ... 48
- 3 - 2 - حکومت فلسفه عملی فقه ... 49
- 3 - عنصر زمان و مکان رمز پویایی فقه ... 50
- 4 - عدم جدایی دین از سیاست ... 51
- 1 - 4 - مفهوم سیاست ... 52
- 2 - 4 - جایگاه و شأن سیاست و انواع آن ... 52
- نمودار نظام اسلامی و جامعه توحیدی ... 53
- 3 - 4 - عدم جدایی دین و سیاست در سیره معصومین: (... 54
- گفتار دوم: جایگاه سیره سیاسی ائمه معصومین در اندیشه امام راحل ... 57
- 1 - اهمیت کتاب و سنت در اندیشه امام خمینی ... 57
- 2 - 1 - کتاب و سنت قانون الهی ... 57
- 2 - 2 - عدم جدایی قرآن و سنت ... 58
- 2 - جایگاه سنت معصومین: (از نظر امام) ... 59
- 3 - سیره انبیاء و ائمه معصومین: (کامل‌ترین الگو ... 61
- مفهوم سیره سیاسی ائمه: (در تفکر امام) ... 62
- الف: تأسی به سیره سیاسی پیغمبر ... 63
- ب: تشبث به سیره سیاسی معصومین: (... 63
- ج: تبعیت از سیره سیاسی معصومین: (... 64
- 4 - منشأ سیره سیاسی معصومین: (... 65
- 5 - حجت بودن سیره سیاسی معصومین: (... 66
- 1 - 5 - حجت خدا یعنی چه؟ ... 67
- 2 - 5 - نمونه‌های حجت بودن سیره ائمه در کلام امام (69 ... 69
- 3 - 5 - اصول یا جزئیات ... 71
- نتیجه ... 73

فصل سوم: اصل عدالت در سیره سیاسی ائمه معصومین: (از دید امام خمینی ... 74

مقدمه ...75

گفتار اول: عدالت و اقسام آن از دیدگاه امام خمینی ...76

جایگاه اصل عدالت در تفکر شیعی ...76

اصل عدالت در اندیشه امام خمینی ...77

الف: مفهوم عدالت ...77

1 - عدل مطلق صفت رب و مختص انسان کامل ...77

2 - عدالت حدوسط افراد و تفریط ...78

3 - عدالت طریق سیر انسان کامل ...78

ب: منشأ عدالت ...78

ج: اقسام عدالت ...79

الف: عدالت الهی ...79

ب: عدالت انسانی ...80

رابطه اصل عدالت و سیره سیاسی معصومین: (از نظر امام 82... 4)

گفتار دوم: عدالت اجتماعی در سیره سیاسی معصومین: (84...)

1 - عدالت شرط امامت و ولایت سیاسی ...84

2 - عدالت اجتماعی در سیره سیاسی معصومین: (86...)

3 - شاخصه‌های عدالت اجتماعی در سیره سیاسی ائمه: (88...)

الف: اعطای حقوق مردم ...88

ب: مساوات در برابر قانون ...89

ج: نفی امتیازات طبقاتی ...90

گفتار سوم: نفی ظلم و عدم سازش با حاکمان طاغوت ...91

1 - ظلم ستیزی در سیره ائمه: (91...)

2 - نفی انظلام و استرحام ...92

3 - اصل قیام در سیره سیاسی معصومین: (94...)

نمونه‌های عینی قیام در سیره ائمه: (95...)

1 - 3 - قیام رسول‌الله (9) در جزیره العرب ...95

2 - 3 - قیام علوی در برابر معاویه ...96

- 3 - 3 - قیام سیدالشهداء در برابر یزید ... 97
- 4 - 3 - قیام جهانی حضرت مهدی(7) با هدف بسط عدالت ... 98
- علل عدم قیام مسلحانه در سیره سیاسی سایر ائمه: ... 99
- 4 - مبارزات فرهنگی (قیامی پنهان) ... 101
- 1 - 4 - دعا وسیله دعوت و تجهیز مردم در مقابل ظالم ... 102
- 2 - 4 - تعلیم و تربیت در مسیر ظلم ستیزی ... 103
- 5 - تقیه تاکتیک معقول مبارزه ... 104
- 6 - اصل اعمال زور نسبی ... 107
- 6 - انواع اعمال زور در سیر سیاسی معصومین: ... 108
- الف: ماهیت جنگ‌های پیامبر(9) و ائمه: (با کفار و مشرکین ... 108
- ب: جنگ‌های داخلی و سرکوبی منافقان ... 109
- ج: اجرای حدود قوانین الهی ... 110
- 7 - نفی اصل تجاوز و تعدی ... 111
- 8 - اصل قاطعیت و ترحم ... 113
- عدم تسامح در سیره سیاسی علوی ... 114
- 2 - 8 - ترحم و دلسوزی در سیره نبوی ... 115
- اعمال زور در سیره سیاسی ائمه: (آخرین راه حل ... 116
- 9 - نفی اصل غدر در سیره معصومین: ... 118
- نتیجه ... 120
- فصل چهارم: قانون و قانون‌گرایی در سیره معصومین: (از نظر امام خمینی ... 121
- مقدمه ... 122
- گفتار اول: جایگاه قانون و قانون‌گرایی در سیره سیاسی معصومین: ... 124
- مفهوم قانون در اسلام ... 124
- ضرورت اطاعت از قانون در سیره ائمه معصومین: ... 124
- هدف قانون در اسلام ... 126
- قانون‌گرایی در سیره سیاسی ائمه: ... 127

- تبيين و تفسير قانون در سیره ي معصومين: (128...)
- روش‌هاي گوناگون تفسير و تبیین قانون در سیره ي سياسي ائمه: (129...)
- 1 - اجرا و رعایت قانون در سیره ي سياسي ائمه معصومين: (131...)
- 1 - اجرائي قوانين و احکام هدف قانون‌گذار 132... 2 - علم به قانون الهي شرط امامت و زمامداري 133... 4 - ائمه معصومين: (الگوي اجرا تبعیت و خضوع در برابر قانون 134... 5 - سیره سياسي معصومين: (در برخورد با قانون حکومت 136... نمونه‌هاي عيني قانون‌گرایی در سیره ي سياسي ائمه: (137... اصول و شاخصه‌هاي قانون‌گرایی در سیره معصومين: (138... اصل برابري انسان‌ها و عدم تبعیض نژادي 139... نفي تبعیض نژادي در سیر نبوي 140... نفي تبعیض طبقاتي در سیره ي نبوي 140... اصل آزادي 142... آزادي حقوقي در سیره ي نبوي 143... آزادي بيان در سیره ي سياسي ائمه معصومين: (145... اصل امنيت 145... امنيت و احقاق حقوق شهروندي در سیره ي علوي 147... اصل برابر در حقوق و تکالیف 148... تکلیف محوري در سیره سياسي معصومين: (149... تکلیف محوري در سیره ي نبوي 150... تکلیف محوري در سیره ي سياسي علوي و امام حسين (151... 7) اصل برابر در داوري و اجرائي قوانين 153... اصل رعایت در بیت‌المال مسلمين 155... اصل ساده‌زیستي در زندگي 156... نفي کاخ نشینی در سیره ائمه: (157... نتیجه 159...

فصل پنجم: عنصر مصلحت و مصلحت‌اندیشی در سیره‌ی سیاسی ائمه (:) ... 160

مقدمه ... 161

رابطه مصلحت و قانون و عدالت ... 161

مصلحت در حوزه سیاسی از دیدگاه امام (163... 4)

اصل مصلحت در سیره‌ی سیاسی معصومین (:) ... 165

نمونه‌های عینی مصلحت‌اندیشی در سیره‌ی سیاسی ائمه (:) ... 166

عنصر مصلحت مؤثر در انتخاب سیره سیاسی خاص ... 166

هدف مصلحت‌اندیشی ائمه معصومین (:) از دیدگاه امام (167... 4)

نمونه‌های توجه به مصلحت‌اندیشی در سیره‌ی سیاسی ائمه (:) ... 168

مصلحت اسلام و مسلمین در سیره سیاسی علوی ... 168

الف) سکوت و مصلحت اسلام ... 169

ب) همکاری با خلفا با هدف مصلحت مسلمین ... 171

سیره‌ی سایر ائمه (:) ... 172

سیره رضوی و مصلحت اسلام و مسلمین ... 174

ج: قیام و جنگ با هدف مصلحت اسلام ... 176

1 - قیام و جنگ در سیره علوی ... 176

2 - قیام عاشورا با هدف مصلحت اسلام و مسلمین ... 179

عدالت مقدم بر مصلحت ... 180

منطق منفعت یا منطق حقیقت ... 182

د) پذیرش صلح و حکمیت ... 184

ماجرای حکمیت در سیره علوی ... 185

صلح امام حسن (187... 7)

ه) مصلحت‌اندیشی و اهتمام به امور سیاسی مسلمین ... 188

حفظ نظام در سیره‌ی معصومین (:) ... 189

نتیجه ... 191

فصل ششم: اصل امر به معروف و نهی از منکر در سیره‌ی سیاسی معصومین (:) ... 192

مقدمه ... 193

- گفتار اول: جایگاه امر به معروف و نهی از منکر ... 194
- محدوده‌ی اصل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام ... 194
- اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در سیره نظری معصومین: () ... 195
- امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی ... 196
- 1 - اصل عقلي ... 196
- 2 - حکومت اسلامی بزرگ‌ترین معروف سیاسی ... 196
- 3 - عامل اصلاح فرد و اجتماع ... 198
- مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در سیره سیاسی معصومین: () ... 199
- الف: انتقاد از حکومت و مردم ... 200
- ب: راهنمایی حکومت و مردم ... 203
- ج: مبارزات سیاسی و قیام علیه حکومت (سیره دائمی) ... 204
- 1- مقاومت سلبی یا قیام غیرمستقیم ... 206
- نمونه‌های عینی در سیره ائمه: () ... 207
- 1- سیره امام صادق (7) و تحریم دادخواهی از قدرت‌های ناروا ... 207
- 2- سیره سیاسی امام کاظم (7) با طاعت‌ها ... 209
- ولایت جائر ... 210
- مقاومت ایجابی یا مستقیم با هدف امر به معروف و نهی از منکر ... 212
- علل و اهداف قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی ... 212
- اصل امر به معروف و نهی از منکر حاکم بر سیره سیدالشهداء (214) ... 7
- د. تشکیل حکومت اسلامی بزرگ‌ترین معروف سیاسی ... 215
- گفتار دوم: جایگاه حکومت در سیره سیاسی معصومین: () ... 217
- حکومت یک اصل عقلانی ... 217
- دلایل نقلی بر اثبات حکومت ... 218
- ضرورت تشکیل حکومت در سیره نظری معصومین: () ... 218
- ضرورت تشکیل حکومت در سیره سیاسی معصومین: () ... 221
- جعل ولایت سیاسی و حکومت برای ائمه معصومین: () ... 222

- نمونه‌های تشکیل حکومت در سیره سیاسی معصومین: (224...)
- سیره سیاسی امام حسین (7) و تشکیل حکومت 224...
- ادعای امام موسی کاظم (7) در برابر هارون 226...
- تشکیل حکومت واحد جهانی توسط حضرت مهدی (عج) 227...
- هدف از تشکیل حکومت در سیره سیاسی معصومین: (229...)
- 1- نفي قدرت طلبی در سیره سیاسی ائمه: (230...)
- 2- حکومت در سیره ائمه معصومین: (وظیفه الهی 232...)
- 3- حکومت در سیره ائمه امانت الهی 233...
- شرایط زمانی و تأثیر آن در تشکیل حکومت 234...
- 4- حکومت وسیله احقاق حق و انجام وظیفه 235...
- وظایف حکومت در سیره معصومین: (237...)
- ماهیت حکومت در سیره سیاسی معصومین: (238...)
- نفي حکومت استبدادی، مطلقه، دیکتاتوری 239...
- نفي حکومت سلطنتی در سیره نبوی و علوی 240...
- سیره امام حسن (7) و امام حسین (7) مقابله با سلطنت 241...
- حکومت اسلامی 242...
- نتیجه 244...
- فصل هفتم: قدرت و اقتدار 245...
- مقدمه 246...
- مفهوم قدرت 246...
- تفاوت قدرت و اقتدار 247...
- اصل قدرت در تفکر اسلامی 247...
- اصل قدرت نظام اسلامی در سیره سیاسی معصومین: (249...)
- عدم ملازمه قدرت و فساد در سیره سیاسی معصومین: (251...)
- اقتدار در سیره سیاسی ائمه: (252...)
- نمایندگان قدرت سیاسی 253...

255... منشأ اعمال قدرت

256... تعیین کننده قانونی قدرت مشروع

257... اعتقاد مردم به مشروعیت حکومت

259... نتیجه

260... نتیجه نهایی

265... منابع و مأخذ

274... فهرست منابع عربی

276... فهرست مقالات و نشریات

پیشگفتار ...)

درآمد ...)

مقدمه:

طرح تحقیق

مقدمه: طرح تحقیق ...)

1 - بیان مسأله

در دنیای بحران زده کنونی انسان مسلمان نیازمند دست آویز محکمی است تا در تلاطم این بحران‌ها بتواند از گردباد حوادث در امان بماند از طرفی مبارزه با این بحران‌ها نیازمند هویت مشخص اسلامی است که بتواند با تسمک به الگوی مشخص و جامع در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، اقتصادی راه کمال و سعادت را بییابد در این پژوهش نیز با تأکید بر سیره سیاسی ائمه معصومین: (از دیدگاه امام خمینی (4) بنیانگذار و معمار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، سعی خواهد شد به چستی؟ چرایی؟ و احياناً به چگونگی سیره سیاسی آن بزرگواران پرداخته شود.

2 - علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده‌ی آن

علت انتخاب موضوع، علاقه‌ی شخصی به سیره اهل بیت: (و احساس مسئولیت در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران که ثمره‌ی تلاش و برداشت امام خمینی (4) از سیره نبوی و علوی می‌باشد. در مورد فایده و اهمیت موضوع مورد پژوهش باید اذعان کرد، اندیشه و تفکر امام خمینی به عنوان احیاگر تفکر اسلامی در دوره‌ی معاصر تأثیر زیادی در مسائل داخلی و خارجی ایران داشته و دارد. همچنین عملکرد سیاسی ایشان به عنوان یک فقیه عالی‌قدر شیعی نه تنها به عنوان الگوی مبارزه علی استبداد و استعمار در جهان شناخته شده و زمینه رشد گرایش‌های شدید علیه سکولاریزم را فراهم نموده بلکه این سیره و عملکرد سیاسی خود نتیجه مستقیم تأثیر سیره سیاسی ائمه‌ی بزرگوار به عنوان روش خاص و کاملی است که توسط معصوم: (ارائه شده است و می‌توان با تسمک به این الگو و روش بر بسیاری از مشکلات فایق آمد.

3 - سابقه‌ی پژوهش

سیره نویسی یا به تعبیر شهید مطهری «سیر نویسی» از قرون اول و دوم هجری توسط مسلمین آغاز شد به گونه‌ای که در آثار تاریخی مشاهده می‌شود مفهوم «سیره» را مسلمانان از همان قرون مذکور به کار می‌بردند و شاید بتوان قدیمی‌ترین سیره‌ها را به این الحاق نسبت داد. با توجه به اهمیت سیره به عنوان تاریخ مدرن اسلامی و ارتباط آن با سنت ائمه معصومین: (، فقهای شیعه هر کدام به تناسب بحث‌های کلامی، فقهی مباحثی مجمل یا مفصل راجع به سیره آن بزرگواران داشته‌اند.

در این میان امام خمینی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراجع و رهبران سیاسی تشیع با تأکید بر سیره و رویه آن بزرگواران، خصوصاً سیره سیاسی ائمه: (مسلمانان را به قیام بر ضد حکومت‌های طاغوتی، تشکیل حکومت اسلامی، و حفظ نظام اسلامی دعوت می‌کرد هر چند که در آثار امام راحل و همچنین آثاری که در مورد اندیشه‌های ایشان نگاشته شده نمی‌توان آثار منسجم و یکجایی که در آن به بحث سیاسی ائمه پرداخته شده باشد یافت اما تألیفاتی از معظم‌له در دست می‌باشد که برخی از آنها چون کتاب عرفانی مصباح الهدایه الی الخلافه و

الولایه حاوی مطالبی در مورد نبوت محمدیه و ولایت علویه می باشد همچنین در مورد سیره سیاسی معصومین: نیز در کتبی چون ولایت فقیه، البیع، کشف الاسرار، صحیفه امام، می توان به جستجو در مورد این مفهوم پرداخت البته این آثار منکر وجود مباحث امامت و ولایت، و سیره ائمه: در آثار دیگر ایشان نیست. همچنین تألیفات و جمع آوری به صورت مجموعه های بنیان در مورد موضوع امامت و انسان کامل، سیمای معصومین:، قیام عاشورا، در دست می باشد که توسط پژوهشگران ازفرازاها و بیانات امام راحل جمع آوری شده اما هیچ گونه تحلیلی در آنها صورت نگرفته است.

4 - سؤال اصلی

مفهوم سیره سیاسی معصومین: و اصول حاکم بر آن از دیدگاه امام خمینی چیست؟

5 - فرضیه های پژوهش

سیره سیاسی معصومین: از دیدگاه امام خمینی به مفهوم روش و اسلوب خاصی است که ائمه در قول و فصل و تقریر خود در حوزه سیاسی و زندگی سیاسی - اجتماعی به کار گرفته اند و اصول حاکم بر آن عبارتند از: عدالت، قانون گرایی، مصلحت گرایی، امر به معروف و نهی از منکر و قدرت.

6 - مفاهیم

سیره سیاسی و ائمه معصومین مهم ترین مفاهیم پژوهش حاضرند، مقصود از ائمه معصومین آشکار است اما توضیحی اجمالی درباره مفهوم سیره سیاسی لازم به نظر می رسد این واژه از دو کلمه «سیاست» و «سیره» ترکیب گردیده است سیره بر وزن فعله است و فعله در زبان عربی دلالت بر نوع دارد سیره در لغت به معنای نوع حرکت و رفتن می باشد و در اصطلاح سبک رفتار و شیوه کردار و منش را گویند به معنای دقیق تر سیره عبارت است از اسلوب و سبک خاصی که افراد صاحب سبک و منطق در حرکت و عمل خودشان دارند و منظور از سیاست نیز تدبیر امور امت می باشد با این توصیف می توان ادعان کرد که سیره سیاسی: «متد و روش خاصی است که افراد صاحب سبک و منطق در امور سیاسی - اجتماعی به کار می برند بنابراین سیره سیاسی معصومین: و روش پیامبر (9) و سایر ائمه در امور سیاسی و اجتماعی می باشد که برای شیعیان حجت می باشد.

7 - سؤالات فرعی پژوهش

1 - مفهوم سیره سیاسی چیست؟

2 - جایگاه سیره سیاسی ائمه معصومین: از دیدگاه امام خمینی کدام است؟

- 3 - رابطه اصل عدالت و سیره سیاسی ائمه معصومین از دیدگاه امام خمینی چیست؟
- 4 - رابطه قانون و قانون‌گرایی و سیره سیاسی ائمه معصومین از دیدگاه امام خمینی چیست؟
- 5 - رابطه اصل مصلحت، و مصلحت‌اندیشی و سیره سیاسی ائمه معصومین از دیدگاه امام خمینی چیست؟
- 6 - رابطه اصل امر به معروف و نهی از منکر و سیره سیاسی ائمه معصومین از دیدگاه امام خمینی چیست؟
- 7 - رابطه اصل اقتدار و قدرت و سیره سیاسی ائمه معصومین از دیدگاه امام راحل چیست؟
- 8 - پیش فرض‌های پژوهش
- از دید امام راحل پیامبر(9) و ائمه اطهار(10): (مصدق بارز) «ما یطق عن الهدی ان هو الاوحی یوحی» می‌باشند و هیچ خطایی در سنت و سیره آنها راه ندارد.
- بنابر مذهب تشیع تمام دستورات و اوامر ائمه معصومین(11): (در زمان حیات و ممات آنها لازم‌الاتباع است و بخشی از این اوامر در واقع اوامر سیاسی است.
- ائمه معصومین(12): (مصدق بارز و صریح اولی‌الامر در آیه شریفه) اطیعوا لله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) هستند.
- بنابر اندیشه شیعی پیامبر(13) و امام معصوم(14): (دارای شرایط و ویژگی‌های خاصی هستند از جمله علم لدنی، عصمت و عدالت. لذا سنت آنها به عنوان دومین منبع استنباط احکام محسوب می‌شود.
- 9 - اهداف پژوهش (شامل اهداف علمی، کاربردی، ضرورت‌های خاص)
اهداف علمی: بررسی ماضین سخنرانی‌های امام(15) (4) و همچنین آثار دیگر ایشان راجع به سیره سیاسی معصومین(16): (17).
هدف کاربردی، الگویی برای فعالیت‌های سیاسی و مبارزات و رفتارهای تشیع در دوره‌ی معاصر.
هدف‌های خاص: با وجود تبلیغات وسیع دشمنان در جهان علیه اسلام و مسلمین خصوصاً شخص معظم پیامبر(18) و مکتب تشیع متوجه می‌شویم که حیات تشیع و اسلام امروزه نیازمند الگویی جامع در امور سیاسی و اجتماعی می‌باشد لذا بررسی سیره سیاسی و رفتارهای ایشان خصوصاً از دیدگاه رهبری که توانست رابطه اسلام و سیاست را عملی سازد و به مرحله‌ی ظهور رساند می‌تواند پاسخگویی بسیاری از تعارضات راجع به حیات سیاسی اسلام باشد.
- 10 - روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به موضوع مورد بحث توصیفی - تحلیلی و تاریخی می باشد.

11 - روش جمع آوری داده‌ها و اطلاعات

روش جمع آوری در واقع کتابخانه‌ای است.

12 - سازمان‌دهی پژوهش

پژوهش حاضر در یک مقدمه و هفت فصل سازمان‌دهی گردیده است.

فصل اول به برخی مفاهیم پژوهش و چارچوب نظری رساله اختصاص یافته است.

در فصل دوم جایگاه سیره سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم به بررسی اصل عدالت و رابطه آن با سیره سیاسی معصومین: (پرداخته خواهد شد).

در فصل چهارم به بحث قانون و قانون‌گذاری در سیره معصومین اشاره خواهد شد.

در فصل پنجم به بحث در مورد عنصر مصلحت و جایگاه مصلحت‌اندیشی در سیره سیاسی معصومین پرداخته

می‌شود.

در فصل ششم اصل امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر آن بر سیره سیاسی معصومین مورد بحث قرار

می‌گیرد.

در فصل هفتم اصل اقتدار و قدرت در سیره سیاسی معصومین: (مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایان نامه آورده می‌شود.

درآمد ...)

فصل اول:

چارچوب نظری و مفاهیم

فصل اول: چارچوب نظری و مفاهیم ...)

مقدمه:

در پژوهش حاضر تحت عنوان سیره سیاسی معصومین: (از دیدگاه امام خمینی به توضیح برخی از مفاهیم مربوط به بحث از جمله فقه، سنت، ائمه معصومین: (، سیره، رفتار، سیره سیاسی و همچنین اصول مرتبط با سیره معصومین از جمله عدالت، قانون، مصلحت، امر به معروف و نهی از منکر و قدرت پرداخته می شود. لازمه پرداختن به این مباحث استفاده از یک نگرش فقهی و جامع به تعالیم اسلامی است.

نگرش ارگانیکی و جامع به مکتب اسلام

در این نگرش مکتب اسلام به عنوان مجموعه‌ای هماهنگ و منسجم که همگی اجزاء و عناصر آن در راستای اهداف الهی است و در واقع یک کل واحد را تشکیل می دهد در نظر گرفته می شود طبق این دیدگاه اسلام به عنوان یک مکتب زنده و پویا در تمام زمانها قادر به پاسخگویی در برابر مشکلات خواهد بود و لذا قادر است خود را با شرایط زمانی و مکانی و به عبارت واضح تر با مقتضیات زمان هماهنگ و منطبق کند به شرط آن که اجتهاد به خوبی مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی در این نگرش مکتب اسلام به عنوان یک مکتب جامع و کامل دارای دو بخش کلی جهان؟؟؟ و ایدئولوژی می باشد جهان بینی که زیر بنای تفکر یک مکتب است (1) تنها از افکار نظری تشکیل می شود. در برابر آن ایدئولوژی از یک سلسله افکار عملی تشکیل می شود که طرح کلی رفتار انسان را مشخص می کند به عبارت دیگر مصارف دین شامل دو بخش هستها و بایدها می باشد. هستها که جهان بینی یا اعتقادات را تشکیل می دهد و بایدها که همان ایدئولوژی است که برنامه زیستی و معیشتی انسان را شکل می دهد. در اسلام متکلف بخش اخیر فقه می باشد. (2) در واقع فقه (3) به عنوان مجموعه قوانین موضوع اسلام پاسخگویی نیازها و تنظیم کننده روابط انسان (4) می باشد این مهم که از طریق روش اجتهادی و با استفاده از منابع چهارگانه کتاب، سنت و عقل و اجتماع صورت می گیرد در پژوهش حاضر به خاطر رابطه تنگاتنگ سیره و سنت به توضیح سنت پرداخته می شود.

سنت و حجیت آن

منظور از سنت در اصطلاح اصولیون عبارت است از «قول و فعل و تقریر معصوم» (5) این سنت به عنوان یکی از منابع مهم استنباط احکام فقهی می باشد که مجتهد را در اجتهاد خودیاری می کند بعد از قرآن به عنوان دومین منبع استنباط محسوب می گردد و برای مسلمانان حجت می باشد بنابراین:

«در مورد سنت و حجیت آن از نظر کلی بحثی نیست و مخالفی وجود ندارد اختلافی که در مورد سنت است یکی این که آیا تنها سنت نبوی حجت است یا سنت فردی از ائمه معصومین» (نیز حجت است؟ اهل تسنن تنها سنت نبوی را حجت می شمارند ولی شیعیان به حکم برخی از آیات قرآن مجید و احداث متواتر از رسول اکرم (9) که خود اهل تسنن روایت کرده اند از جمله حدیث ثقلین، قول و فعل و تقریر ائمه اطهار): (را نیز استناد می کنند» (6)

به عبارت دیگر اهل سنت حفظ قول و فعل تقریر پیامبر (9) حجت می دانند اما شیعیان در کنار سنت نبوی، سنت ائمه): (را نیز حجت می دانند بنابراین دایره ی سنت نزد شیعیان گسترده تر از اهل سنت می باشد و در واقع فقهای شیعه به موجب روایاتی نظیر، ثقلین، سفینه، غدیر، منزلت و همچنین آیات (اولی الامر و تطهیر) و آیاتی نظیر آن، و تمسک به آنها معصومین را جانشینان پیامبر (9) می دانند و سنت ایشان را واجب الاتباع می دانند. (7)

جایگاه سنت پیامبر (9) و ائمه اطهار): (در حوزه ی تشریح

همان طور که در مباحث پیش گذشت در تفکر شیعه سنت معصومین): (به عنوان یکی از منابع استنباط احکام می باشد به عبارت دیگر این منبع به عنوان منبعی در کنار قرآن به عنوان مصدر تشریح و قانونگذاری، مطرح می باشد. در این جا یک سؤال مطرح می شود و آن این که: آیا پیامبر (9) و سایر معصومان حق تشریح دارند یا خیر؟

به عبارت دیگر آیا پیامبر اسلام و ائمه حق دارند آن چه را مصلحت می بینند به عنوان یک قانون برای مسلمین وضع کند هر چند وحی الهی نسبت به خصوص آنها نازل نشده باشد؟

شک نیست که این امر محال نمی باشد به شرط این که خداوند چنین حقی را (حق قانونگذاری و تشریح) را به آنها داده باشد سخن در این است که آیا چنین امری واقع شده و دلایل نقلی گواهی بر آن می دهد یا خیر؟ به فرموده بسیاری از مفسران روایات متعددی مبنی بر تفویض امر به پیامبر (9) و اوصیاء بعد از او وجود دارد. (8)

همچنین آیات صریحی در قرآن وجود دارد که به پیامبر (9) تفویض امر نموده است از جمله آیه ی شریفه (من یطع الرسول فقد اطاع الله) (9) که نشان می دهد هر کس اطاعت رسول خدا کند، اطاعت خدا کرده است، بنابراین هیچ تردیدی در تفویض امر وجود ندارد حال بینم منظور از تفویض امر چیست؟

در این جا چندین احتمال داده‌اند:

1. تفویض امر تشریح به پیامبر (9) به صورت کلی
 2. تشریح جزئی در موارد محدود، یه این گونه که پیامبر (9) قبل از نزول احکام الهی یا بعد از آن احکامی را تشریح فرموده و خدا امضا نموده است.
 3. تفویض امر حکومت و تدبیر و سیاست و تربیت نفوس و حفظ نظام.
 4. تفویض امر عطا و منع
 5. تفویض در بیان حقایق و اسرار و احکام یعنی آن چه را از اسرار و احکام مصلحت‌می‌بیند بیان کند و آن چه را مصلحت نیست نگوید.
- از مجموعه روایاتی که در باب تفویض وارد شده معنی دوم استفاده می‌شود (10)
- بنابراین مطالب می‌توان گفت سنت پیامبر (9) همچون وحی الهی است زیرا پیامبر (9) هیچ‌گامی برخلاف خواست خداوند بر نمی‌دارد، سخنان و کردار و رفتار او همه مطابق فرمان خداست. (11) به عبارت دیگر پیامبر و بعد از او جانشینان معصوم او دارای ولایت تکوینی و تشریحی هستند و لذا در موارد خاصی حق قانونگذاری و تشریح دارند. (12) منتهی باید توجه که داشت که پیامبر (9) مبین و مفسر کتاب و وحی می‌باشد و ائمه): علاوه بر تفسیر قرآن موظف به تفسیر سنت نبوی نیز هستند در واقع سنت این بزرگواران در راستای قرآن و سنت نبوی قرار دارد و در مواقعی نیز که به تشریح برخی از امور پرداخته‌اند در واقع به دلیل مصلحت مسلمین و رفع اضطرار بوده است. (13)

ائمه معصومین):

مراد از ائمه‌ی معصومین در فقه جعفری عبارت است «پیغمبر (9) و ائمه اثنی عشر و فاطمه زهرا (3) اجمعین است» (14) این افراد با توجه به آیات و روایات متعدد معصوم): در مصداق بارز و کامل حنیفه‌اللهمی می‌باشند که بر اساس همین روایات را آیات محکم شیعه معتقد است که سنت ایشان حجت می‌باشد. و این سنت نیز اعم از سنت پیامبر و ائمه اطهار می‌باشد. (15) حال این سنت دارای ارکان قول و فصل و تقریر می‌باشد و هر کدام از این ارکان دارای ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌باشد.

سیره (16) و رفتار (17)

در مورد مفهوم سیره باید اذعان نمود که عده‌ای آن را به معنای هیت و حالت گرفته‌اند و گروهی نیز آن را به معنای طریق که می‌تواند حسنه و غیر حسنه باشد معرفی کرده‌اند. (18) شهید مطهری با تأکید بر این که مسلمانان مفهوم سیره را از قرون اول و دوم هجری به کار می‌بردند بیان می‌دارند. (19)

سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، اما سیره یعنی نوع راه رفتن، سیر بروزی فعله است و فعله در زبان عربی دلالت می‌کند بر نوع. مثلاً جلسه یعنی نشستن و جلسه یعنی یک نوع نشستن بنابراین سیر معادل رفتار است. ولی سیره یعنی نوع رفتار، سبک رفتار و در اصطلاح سیره عبارت از متد و اسلوب خاصی است که افراد صاحب سبک و صاحب منطبق در سیر خودشان به کار می‌برند. (20)

بنابراین زمانی که از سیر سخن می‌گوییم منظورمان رفتار یک شخص است اما همین رفتار انواع مختلفی دارد به عبارت دیگر هر رفتار با نوع خاصی شناخته می‌شود که آن را سیره می‌گویند.

بنابراین ایدید شهید مطهری سیره و رفتار با هم متفاوتند و اکثر سیره‌هایی که راجع به پیامبر (9) نوشته شده از نظر ایشان سیر است و در واقع رفتار پیامبر (9) نوشته شد نه سیره،

با این توصیف از دید ایشان می‌توان تفاوت‌های ذیل را میان رفتار و سیره در نظر گرفت:

الف) سیره غیر سیر است. سیر یعنی خود رفتار اما سیره یعنی سبک و متد و نوع رفتار می‌باشد.

ب) همه مردم سیر دارند ولی همه مردم سیره ندارند یعنی این چنین نیست که همه مردم در رفتار خودشان از یک منطبق خاص پیروی کنند و یک سلسله اصول در رفتار خودشان داشته باشند به عنوان مثال همه مردم فکر می‌کنند ولی همه آنها منطقی فکر نمی‌کنند.

اقسام سیره از دیدگاه شهید مطهری

به طوری کلی ایشان از دو نوع و یا دو قسم سیره سخن می‌گویند:

الف) سیره نظری

ب) سیره عملی

ایشان با اشاره به مفهوم لغوی و اصطلاحی سیره نتیجه می‌گیرد که سیره یعنی منطبق عملی و این غیر از منطبق نظری است و همان گونه که در منطبق نظری سبک‌های مطالعه و تحقیق متفاوت است در منطبق عملی نیز سبک‌ها و متدها متفاوت است و علی‌رغم این که انسان‌ها در شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و موقعیت‌های طبقاتی مختلف می‌تواند دارای یک منطبق و یاسیره ثابت باشد. اما این مسأله باعث خاص بودن سیره یک شخص نسبت به شخص دیگر نمی‌شود.

بنابراین ممکن است حتی میان افراد صاحب سبک و منطبق نیز با روش‌های، متدها و یا به عبارت واضح‌تر سیره‌های مختلفی روبرو شویم. ایشان با تأکید بر سیره‌های مختلف مطرح می‌کند.

فرضاً:

«یکی منطقش زور است، دیگری منطقش محبت و اخلاق و رأفت است سومی منطقش دور اندیشی و تدبیر است چهارمی منطقش سرعت و تصمیم فوری و معطل نشدن است یکی دیگر منطقش نیرنگ و فریب است و دیگری منطقش تماوت و مرده موشی است.» (21)

با این توضیح مشاهده می‌کنیم بر رفتار افراد سبک‌ها و انواع مختلفی حاکم است که ماهیت آن رفتار را مشخص کند به عبارت دیگر یک منطق خاص یا یک سلسله قواعد و اصولی بر رفتار حاکم است که معیار آن رفتار است. (22) پس می‌توان گفت کنش‌ها و رفتارهای فرد دارای اشکال (23) مختلف، فرهنگی و اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فردی می‌تواند باشد پس سیره‌ی عملی خود دارای ابعاد مختلف می‌باشد و از جمله سیره و روش سیاسی.

نمودار 1 - اقسام سیره

اقسام سیره

سیره نظری

سیره عملی

سیره سیاسی - اجتماعی

فرهنگی

اقتصادی

فردی (اعتقادی)

زور

فریب و خدعه

محبت و اخلاق

تماوت

.....

سیره‌ی سیاسی معصومین):

با توجه به تعاریفی که از «سیره» و «سیاست» مطرح شد می‌توان سیره سیاسی معصومین): (را چنین تعریف کرد: «سبک و روش خاصی که پیامبر و ائمه معصومین): (در امور اجتماعی و سیاسی» به کار می‌بردند. با این تعریف باید بینیم سبک و متد رهبری و مدیریت پیغمبر و ائمه در مسائل سیاسی و اداره جامعه چه متدی بوده است و به عبارت دیگر چه اصول و منطقی بر آن سیره‌ها حاکم بوده است. زیرا دقت در سیره نبوی و سایر ائمه نشان می‌دهد که این سره‌ها علی‌رغم تفاوت‌ها و اختلاف‌های ظاهری دارای اصول مشترکی است که هیچ کدام از ائمه از آن تخطی نکردند. به عبارت دیگر ما یک سری اصول مشترک و ثابت در همه ائمه و یک سری سیره‌های خاص هر امام را مشاهده می‌کنیم در سیره سیاسی آنان در واقع به دنبال آن هستیم که بینیم چه نوع سبکی بر رفتار سیاسی آنها حاکم است. آیا سبک آنها نیرنگ و فریب، غدر، تعدی، است یا خیرخواهی، قاطعیت و دور اندیشی و... بنابراین زمانی که می‌گوییم ائمه دارای سیره سیاسی هستند یعنی این که آنها در امر سیاست و اداره جامعه یک منطق یا سلسله معیارهای مشخص داشتند به گونه‌ای که شرایط اجتماعی، اوضاع اقتصادی و موقعیت‌های طبقاتی قادر نبود آن اصول را از آنها بگیرد. این اصول می‌تواند ریشه عقلی، وحی و یا هر دو را دارا باشد.

رابطه سیره و سنت

در این جا با یک سؤال آغاز می‌کنم و آن این که رابطه سیره و سنت چیست؟ کدام وسیع‌تر است؟ قبل از هر چیز باید بگوییم رابطه سیره، سنت به این بستگی دارد که ما چه تعریفی از این دو واژه ارائه بدهیم هر چند که متفکران مختلف به ارائه تعاریف متعدد و کم و بیش متفاوت و گاهاً هم معنا (24) از دو واژه فوق پرداخته‌اند اما باید توجه داشت هر کدام از این تعاریف با توجه به حوزه مطالعاتی خاص (25) و مذهب (26) خاص گسترده یا محدود می‌گردد. با توجه به مطالعاتی که در مورد این دو مفهوم صورت گرفته می‌توان به دو رویکرد در این جا اشاره کرد.

1 - رویکردی که سیره را مفهومی می‌داند که به کمی تسامح می‌توان آن را تاریخ معنا نمود چنان که غزالی علم سیره را علم به شرح احوال پیامبران، اصحاب، ناموران دین می‌داند. (27) بانگاهی به کتب سیره نیز همین نکته روشن می‌شود این کتب معمولاً به نقل تاریخ زندگی پیامبر و ائمه پرداخته‌اند که پیامبر در سالی به دنیا آمد و در چه سالی مبعوث شد، چه جنگ‌هایی کرد و به چه کسانی نامه نوشت چگونه فرماندهی کرد. همسران ایشان چه کسانی بودند و از این قبیل مسائل که با نگاه فقهی تنظیم نشده‌اند و شامل رفتارهای متعدد پیامبر و ائمه می‌باشد. بنابراین این سیره چیزی به جز تاریخ یا همان «سیر نویسی» نیست که بیشتر مربوط به رفتار می‌باشد حال این در این سیره نیز همانند سنت با فعل و قوی و تقریر پیامبر (9) روبرو هستیم البته افزون بر حوادث دیگری که محور آن‌ها شخصیت معصوم نیست مثل آن که در سیره پیامبر (9) درباره‌ی ابوسفیان و دیگران نیز مطالبی آمده است. با این تعریف از سیره مشاهده می‌کنیم که سیره اعم از سنت می‌باشد.

2 - رویکرد دوم که سیره را به معنای تاریخ نمی‌پذیرد و با ریشه‌یابی معنای لغوی سیره معتقد است کتاب‌هایی که امروز ما با نام سیره می‌شناسیم «سیر» است نه سیره، ایشان با تعریف سیره به سبک و متد و اسلوب خاصی رفتار (28) در واقع سیره را به معنای یک سلسله اصول و معیارها حاکم بر رفتار معرفی می‌کند به نظر می‌رسد که در این جا نمی‌توان رابطه اعم و احض میان این دو مفهوم برقرار کرد. در واقع در این جا سیره و سنت با هم متفاوت هستند شهید مطهری با توضیح این که کتاب و سنت قانون است و طرز اجرا و پیاده کردن می‌خواهد می‌فرماید:

«روش رهبری با مسأله کتاب و سنت متفاوت است، کتاب و سنت یعنی خود قانون، روش رهبری به متن قانون مربوط نیست، کیفیت رهبری مردم، اختیاراتی که یک رهبر دارد به تصمیمات یک رهبر مربوط می‌شود.» (29) حال این تصمیم ممکن است نه در قرآن باشد و نه در سنت فرضاً بستن زکات بر اسبها در زمان حکومت مولای متقیان (30) (7)

اما باید دقت نمود که کلیات آن در قرآن و سنت آمده است پس علی‌رغم این که می‌پذیریم این دو با هم متفاوتند اما نمی‌توانیم منکر عدم تأثیر کتاب و سنت بر روش رهبری خصوصاً در مورد معصومین: (باشیم در اثبات ادعای فوق یک سؤال ضروری به نظر می‌رسد و آن این که:

سبک و روش هر شخصی در زندگی سیاسی و اجتماعی، فردی، از چه نشأت می‌گیرد؟ آیا این سبک و روش برای دیگران حجت است؟ در این جا در صدد پاسخگویی به روش فقهی یا علم، ف‌پ‌اصولی نیستیم بلکه سعی می‌کنیم با استفاده از یک «شیوه تحلیل بینشی» (31) به سؤال فوق پاسخ دهیم.

رابطه‌ی بینش (32) و سیره‌ی سیاسی

تا آن جا که علمای سیاست مطرح می کنند روش هر شخص در زندگی سیاسی مبتنی بر بینش اوست به عبارت واضح تر بینش بر دانش و روش سیاسی مقدم است این بینش است که بر رفتار و تفکر انسان ها در قالب شهروند عادی، سیاستمدار، عالم سیاسی، و کارگزار حکومتی شکل و معنا می دهد و روش آنها را در تفسیر، تحلیل، پژوهش پدیده ها معین می کند. (33)

بنابراین هر انسانی در زندگی خود رفتارها و گفتارهایی دارد که مسلماً از بینش او متأثر است و به عبارت بهتر بینش او روش و متد (34) او را در زندگی مشخص می کند لذا هر روش خاص از یک بینش خاص متأثر است و همان گونه که ما با روش ها و سیره های مختلف روبرو هستیم باینش های مختلف نیز روبرو هستیم و می توان اذعان کرد ما با الگوهای بینشی متفاوت روبرو هستیم که هر کدام بر اساس عنصری خاص شکل گرفته اند.

الگوهای بینشی و نقطه اتکا آنان

به طور کلی می توان از چند الگوی بینشی نام برد از جمله: (35)

الف: بینش هنجاری و سستی که به صورت بینش واقع گرا و آرمان گرا تجلی می یابد.

ب: بینش علمی - تجربی که منهای ارزش می باشد.

ج: بینش فرا علمی - فرا تجربی (شهودی) یعنی اموری که به کمک عقل و استدلال آزمودنی نیست و نیازی به گواه و ضامن ندارند. چرا که صدق و کذبشان در خودشان مستقر است.

د: الگوی تلفیقی: با توجه به نقد هر کدام از این الگوهای فوق نمی توان به یکی از این الگوهای بینشی در اسلام قائل بود و ناچار باید به تلفیقی از الگوهای بینشی اعتقاد داشت زیرا نقطه ی اتکا این بینش ها صرفاً تک بعدی است و این مسأله با روح اسلام سازگاری ندارد.

فرضاً نقطه اتکا بینش عقل گرا و مصلحت اندیش (راسینولاسیم) عقل بشری است این گروه تعقل را عامل نخستین و قطعی در هر شناخت می دانند (36) در حالی که در اسلام عقل صرفاً به عنوان یکی از منابع شناخت می باشد.

و یا بینش عمل گرا و عاقبت اندیش (پراگماتیسیم) که صرفاً به امور واقع به عمل و قدرت توجه می کند و علاقه ای به تجربه راه حل های لفظی، اصول ثابت و مطلقها ندارد. در حالی که در مکتب اسلام ما به اصول ثابت و مطلق اعتقاد داریم.

و یا بینش عقیده گرا و جزم اندیش (دگماتیسیم) نقطه اتکا این نوع بینش باورهای جاافتاده که محصول عقل سلیم است که به تدریج این باورها با دریافته های جدید اطلاعات از محیط مواجه می شود و به صورت شناخت عقلی فرد می نامند در می آیند از همین جاست که فرد به نگرش معینی خو می گیرد و شیوه های رفتار و تعلقی خود را

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

در قالب همان نگرش سامان می دهد. در این نگرش عقلی با عنصر ایمان سروکار پیدا می کنیم و آن چیزی نیست جز باور و نیات. (37)

بنابراین تلفیقی از بینش‌ها بهتر می تواند فرد را در زندگی و روش آن هدایت کند.

شهید مطهری نیز با تأکید بر عنصر ایمان و علم اعتقاد دارد که: علم و ایمان هر دو امنیت می دهند اما ایمان امنیت درون و علم امنیت برون، علم انسان را با جهان سازگار می کند و ایمان انسان را با خودش لذا برخلاف مسیحیت بین علم و ایمان هیچ تضادی وجود ندارد. (38)

همچنین ایشان با اشاره به انواع جهان بینی از جمله جهان بینی علمی، جهان بینی فلسفی، جهان بینی توحیدی دقیقاً به این مطلب اشاره دارند که صرفاً جهان بینی توحیدی است که براساس منطق، علم و استدلال می باشد. (39) و همه جانبه و کامل می باشد و قادر است بینشی دقیق و جامع به انسان ببخشد.

نمودار 2 - رابطه بینش و سیره سیاسی با توجه به الگوهای بینشی
الگوهای بینشی

هنجارها و سنن

علمی و تجربی

شهودی و فراعلمی

تلفیقی (وحي - عقلي)

دانش سیاسی

روش = اصول و معیارهای سیاسی

رفتار سیاسی

حجیت سیره سیاسی

حال زمانی که نقطه اتکا یک مکتب بینش صحیح و همه جانبه و کامل بود. و بر اساس ایمان و عقل و علم استوار شد آن هم توسط یک انسان کامل که مصداق بارز آن ائمه اطهار): (می باشند چگونه می توان گفت سنت رسول الله که مجموعه ای از قول و فعل و تقریر ایشان است حجیت است ولی سیره سیاسی یا روش سیاسی ایشان که منعبث از ایمان و اتصال به وحی از یک طرف و عقل انسان کامل از طرف دیگر می باشد حجیت نیست؟ مسلماً روش ائمه اطهار): (در تمام امور امت متأثر از بینش الهی و توحیدی از یک طرف و عقل انسان کامل از طرف دیگر می باشد. بنابراین با توجه به مباحث شهید مطهری از یک طرف و تحلیل بینشی می توان دریافت حرکت و سیره سیاسی معصومین در چارچوب قانون الهی و عقل سلیم شکل گرفته است و هم ظاهر رفتار و هم نوع رفتار آنها برای ما حجیت است. منتهی به شرط آن که به مقتضات زمان توجه کنیم، عنصری که بیش از هر چیز در سیره سیاسی ائمه به چشم می خورد.

بنابراین در تفکر شیعه توجه و احترام و اطاعت از سیره به طور اعم و سیره سیاسی به طور اخص لازم و ضروری است و همین عامل رمز پویایی و بقای شیعه در تاریخ می باشد.

زیرا ائمه معصومین): (در اندیشه سیاسی شیعه مصداق بارز «ما یطق عن الهوی» هستند و «صراط مستقیم» ایمانند و دارای علم لدنی که متصل به سرچشمه وحی می باشد. (40) این افراد علی رغم داشتن سیره های متفاوت در مسائل سیاسی دارای اصول مشترکی هستند که بر رفتار آنها حاکم می باشد. که این اصول برگرفته از قرآن و سنت و عقل سلیم می باشد. و تخطی از آن توسط هیچ صاحب عقلی جایز نمی باشد. این اصول ثابت که در همه زمان ها در روش و سیره ائمه اطهار): (مشاهده می شود. حبل المتین شیعه در زندگی اجتماعی و سیاسی می باشد.

بررسی اهمیت اصول حاکم بر سیره سیاسی ائمه): (

همان طور که ذکر گردید سیره سیاسی معصومین): (بر اساس بینش توحیدی و علم متصل به وحی پی ریزی شده است. در واقع دو عنصر علم و ایمان در روش سیاسی آنها نمود عینی یافته و یکی از واقعیت های غیر قابل انکار در تفکر سیاسی شیعه محسوب می شود. با این پیش فرض ثابت زمانی که سیره ائمه اطهار): (بررسی می گردد؛ با تفاوت ها، تعارضات و اختلافات ظاهری در سیره آنها روبرو می شویم که در بدو امر به عنوان نقطه ضعفی برای شیعه تلقی می گردد زیرا توجه صرف به این ظواهر باعث هرج و مرج فکری و عملی در تشیع

می شود به این معنا که شیعه باید به کدام رفتار و سیره عمل نماید و با توجه به این که تمامی این چهارده نفر معصوم هستند و سیره کدام یک باید مورد استناد قرار گیرد. و شیعه باید تابع کدام عمل و فعل باشد؟ شهید مطهری با طرح یک استشکال این مسأله را مطرح می کند و در صدد پاسخگویی به آن بر می آید ایشان در این زمینه می فرماید:

«در نظر بسیاری از مردم این طور است که روش امام حسین (7) با سایر ائمه اطهار مثل روش امام حسن و امام سجاد و امام باقر و امام صادق و سایر ائمه: (و حتی روش امیرالمؤمنین (7) متفاوت و مختلف است. مثل این است که مکتب امام حسین (7) مخصوص به خود اوست و هیچ یک از ائمه دیگر تابع این مکتب و روش نبوده اند و از روش و مکتب دیگری پیروی نموده اند و این خود به خود نقطه کور و اشکالی در دلها تولید می کند.» (41)

اما باید توجه داشت این که چرا همگی ائمه دین به یک روش عمل نکرده اند یک بحث اصولی است، ایشان با مطرح کردن بحث تقیه می گوید:

فرضاً در بحث تقیه اشکال می کنند اگر تقیه حق است چرا امام حسین (7) تقیه نکرده و حال آن که موجبات تقیه برای امام حسین (7) فراهم بود و اگر تقیه حق نیست پس چرا سایر ائمه تقیه کرده اند و با آن دستور داده اند؟ ایشان با تأکید بر این امر که باید موضوع تقیه را وسیع تر در نظر گرفت و به عوامل دیگری نیز توجه نمود. یعنی اگر چه بحث از حق و ناحق بودن تقیه یک بحث اصولی است. اما باید عوامل دیگر را نیز در نظر گرفت و سپس به پاسخگویی پرداخت. ایشان در جواب استشکال خود معتقد است در سیره سیاسی ائمه اطهار باید به سراغ اصول ثابت و لایتغیر بود که خود ماهیتی جداگانه را شکل می دهد و بر سیره همگی ائمه حاکم می باشد. ایشان در این زمینه مطالبی مطرح می کند از جمله این که:

«این امور [سیره ها] که در ظاهر مخالف یکدیگر شمرده می شود و ممکن است یک نقطه ضعف برای شیعه محسوب شود. می تواند به عنوان یک نقطه خوب برای شیعه محسوب گردد.» (42)

به شرط آن که: «روی این روش های به ظاهر مخالف حساب و تحقیق و اجتهاد شود و... و اختلافها را حل کنیم به یک اصل معین» (43)

پس باید به دنبال اصول ثابت باشیم و مهارت پیدا کنیم که ما در این دنیای متغیر چگونه مواجه شویم و در این زندگی متغیر چگونه اصول کلی دین را با موضوعات مختلف و متغیر تطبیق کنیم زیرا دین یک مبنایی دارد و یک تطبیق و عملی عیناً مانند درس های نظری و عملی است که درس های عملی طرز تطبیق نظریه ها است با موضوعات جزئی مختلف. (44)

بنابراین دقت در عوامل رفتارها و روش های ائمه نه تنها نقطه ضعف نیست بلکه

«روش‌های متفاوت آنها در 250 سال نشان از قوت اتکای شیعه‌است. زیرا باعث می‌شود با اقسام و انواع صورت‌های قضایا مواجه شود و طریق حمل آن قضایا را به ما بنمایند و روح تعلیمات اسلامی را بهتر به ما بشناسانند و ما را از جمود و خشکی و به اصطلاح منطق «اخذ ما لیس بعله» و یا «خلط ما بالعرض بما بالذات» نجات پیدا کنیم.» (45)

شهید مطهری در این جا با تکیه بر عنصری که می‌توان ارزش‌های به ظاهر متعارض و متفاوت ائمه): (را درک کرد و آن را عنصر «مقتضیات زمان» (46) می‌باشد ایشان در این زمینه بیانی دارند که «در سیره پیشوایان دین شک نیست که آنها هم هر کدام در زمانی بوده‌اند

و زمان و محیط آنها اقتضائاتی داشته و هر فردی ناچار است. از مقتضیات زمان خود پیروی کند.» (47)

این عنصر به عنوان شاه کلید فهم رفتارها و روش‌های متفاوت و متعدد ائمه اطهار در طول تاریخ سیاسی می‌باشد. بنابراین ائمه): (با استفاده از بینش توحیدی و دانش الهی به روش‌های مختلف مبادرت کرده‌اند. و در عین حال متوجه مقتضیات زمان نیز بوده‌اند. به عبارت واضح‌تر دورکن اصلی در سیره سیاسی همه ائمه به چشم می‌خورد. توجه به توحید و قانون الهی و توجه به نیازهای بشری بنابراین توجه به اصول ثابت در دین اسلام از یک طرف و توجه به نیازها و حاجت‌های متغیر زمانی مولد بسیاری از مصادیق سیره‌ی سیاسی ائمه): (از جمله قیام، مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ی سیاسی، صلح، جنگ، سکوت و تقیه، تشکیل حکومت، امر به معروف و نهی از منکر و... بوده است.

اصول حاکم بر سیره‌ی سیاسی ائمه معصومین): (از دیدگاه شهید مطهری با بررسی مجموعه آثار شهید مطهری خصوصاً آثاری از جمله سیری در سیره‌ی نبوی (9)، سیری در سیره ائمه اطهار): (، امامت و رهبری، سیری در نهج‌البلاغه، اسلام و مقتضیات زمان می‌توان در مورد سیره سیاسی ائمه): (به یک نتیجه رسید و آن این که: اولاً: سیره‌ی سیاسی معصومین): (با یکدیگر متفاوت بوده است به گونه‌ای گاهی از سیره‌ی نبوی و گاهی از سیره‌ی علوی سخن به میان می‌آید.

ثانیاً: در سیره‌ی سیاسی همه‌ی ائمه اصول مشترکی به چشم می‌خورد که این اصول حاکم بر سیره‌ی آنها می‌باشد حتی اگر ائمه در طول زندگی خویش موفق به اجرای کامل آن اصل نشده‌باشند و این اصول برای شیعه حجت و لازم‌الاتباع می‌باشد و رفتارهای ائمه نیز چون بر اساس این اصول استوار شده‌اند و زیربنای توحیدی و عقلانی دارد برای انسان‌ها در تمام زمان‌ها به‌عنوان الگوی عمل جاری است منتهی به شرط آن که استفاده از آن رفتارها به موقع و در جای خود مورد استفاده قرار گیرد.

ثالثاً: عنصر مقتضیات زمان تأثیر زیادی در سیره سیاسی ائمه داشته است و لذا می‌تواند به‌عنوان راه حلی برای فهم سیره‌های گوناگون ائمه باشد. در واقع یکی از طرق حل تعارضات که در سیره‌های مختلف است به اصطلاح حل عرفی و جمع عرفی است که از راه اختلاف مقتضیات زمان قابل حل است. (48)

در تکمیل مباحث فوق می‌توان اذعان نمود که شهید مطهری با اشاره با اصول ملغی، مطلق و نسبی در اسلام به تحلیل سیره نبوی و ائمه اطهار می‌پردازند. این اصول عبارت‌اند از:

- اصل غدر و خیانت

- اصل تجاوز و تعدی

- اصل اعمال زور

- اصل انظلام و استرحام

- اصل سادگی در زندگی

- اصل قدرت و اقتدار

با توجه به بررسی آثار شهید مطهری و امام راحل می‌توان به اصول کلی تری در سیره معصومین: (اشاره نمود که در برگزیده اصول فوق نیز می‌باشند این اصول مشترک و کلی عبارت‌اند از:

1 - اصل عدالت

2 - اصل قانون و قانون‌گرایی

3 - اصل مصلحت و مصلحت‌اندیشی

4 - اصل امر به معروف و نهی از منکر

5 - اصل اقتدار و قدرت

لازم به ذکر است که ملاک انتخاب اصول پنجگانه فوق:

اولاً تأکید فراوان شهید مطهری و امام راحل بر این اصول در سیره معصومین: (می‌باشند.

ثانیاً اصول کلی فوق به‌عنوان اصول مشترک و قطعی در سیره معصومین: (منکر اصول دیگر در سیره آن بزرگواران نخواهد شد. چون اصول مزبور به‌عنوان اصول بدیهی و عقلی - نقلی مورد تأکید قرآن و روایات و عقل می‌باشد از طرفی در بررسی سیره معصومین: (از نظر امام راحل مشاهده می‌کنیم این اصول مورد توجه و اهتمام تمامی ائمه بوده و هست.

حال به توضیح اصول کلی حاکم بر سیره سیاسی ائمه پرداخته می‌شود و اصول ملغی، مطلق و یا نسبی مطرح شده در زیر مجموعه آن‌ها قرار خواهد گرفت.

1 - اصل عدالت

منشأ مفهوم عدالت

در مورد منشأ عدل باید اشاره نمود شهید مطهری با تأکید بر این مطلب که سر منشأ عدل در قرآن و سنت قرار دارد بیان می‌کند که نظام هستی و آفرینش بر عدل استوار است ایشان با توجه به آیات قرآن و روایت نبوی به توضیح بحث عدل می‌پردازند. (49)

از نظر ایشان مفهوم عدل در برابر ظلم قرار دارد و لذا می‌توان عدالت را رعایت استحقاقها می‌سند دانست به عبارت دیگر عدل به معنای «رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذي حقی حق او را» می‌باشد. بنابراین عدل به معنای تساوی و توازن نیست و در برابر تعریف فوق از عدل ظلم قرار دارد و عبارت است از پایمال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. (50)

در تفکر ایشان اصل عدل یکی از اصول مذهب شیعه می‌باشد و گویی مانند خون در شریان‌های نظام اسلامی جریان دارد ایشان در این زمینه مطرح می‌کند:

«در قرآن کریم از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن هم‌دوش توحید رکن معاد تشریح نبوت، فلسفه زعامت و امامت و معیار کمال فردی، مقیاس سلامت اجتماع است.» (51)

به عبارت دیگر ملاک شایستگی زعامت و رهبری را عدل می‌داند و مطرح می‌کنند:

در قرآن کریم امامت و رهبری، پیمان الهی و مقامی ضد ظلم و توأم با عدل می‌باشد ایشان با تأکید بر آیه (لا ینال عهدی الظالمین) اذعان می‌دارد و مقام امامت و رهبری عهدی است که به ظالمان نخواهد رسید. (52) با توجه به این مباحث اصل عدل مسلماً در سیره‌ی سیاسی ائمه اطهار: (که عالمان و عاملان اصلی به قرآن و سنت هستند نمود عینی یافته است.

اقسام عدالت از دیدگاه شهید مطهری

یکی از ویژگی‌های اندیشه مطهری در مورد عدالت توجه ایشان به تقسیم‌بندی اقسام و سطوح مختلف عدالت از نظر کلامی، فردی، اجتماعی، تدوینی، الهی، تشریحی و انسانی است.

او در این مورد نوشته است:

«در اصل عدالت در فرهنگ اسلامی تقسیم می‌شود به عدل الهی و عدل انسانی، عدل الهی تقسیم می‌شود به عدل تکوینی و عدل تشریحی و عدل انسانی نیز تقسیم می‌شود به عدل فردی و عدل اجتماعی» (53)

از نظر ایشان عدالت فردی زیر بنای عدالت اجتماعی و عدل الهی و ایمان نیز پایه وزیربنای عدالت فردی است. ایشان معتقد بود «بدون شک عدالت اجتماعی نمی‌تواند مفهومی مغایر با عدالت فردی داشته باشد.» (54) از این روی سعی می‌کند با نقد نظرات و رویکردهای لیبرال و سوسیال به دفاع از اسلام‌پردازد ایشان در این زمینه رویکرد سوسیالیستی مطرح می‌کند که این رویکرد صرفاً به عدالت اجتماعی فکر می‌کند در واقع فقط به جامعه فکر می‌کند و برای فرد فکر نمی‌کند فرد در این بینش اصالتی ندارد فقط جامعه وجود دارد. (55) در واقع این رویکرد برداشت رادیکال از عدالت می‌باشد که مغایر با موازین عقل و شرع می‌باشد ایشان معتقد است، در این تلقی از عدالت، آزادی فردی از بین می‌رود و استعدادهای فردی زمینه‌ی بروز و شکوفایی نمی‌یابد.

از طرفی رویکرد لیبرال به عدالت را نیز کافی و کامل نمی‌دانست زیرا در این برداشت نیز عدالت اجتماعی قربانی می‌شود. (56)

اما در تفکر اسلامی عدالت به عنوان پایه و اساس و همچنین به عنوان هدف ارسال رسل مطرح گردیده است. در این جا باید دقت نمود شهید مطهری در تقسیم عدالت به تمامی جهات توجه دارد. از این رو جنبه کلامی بحث را از جنبه‌ی اخلاقی جدا می‌کند و در بحث عدل الهی که فضل خداوند موضوع سخن است نظام تکوین را از نظام تشریح جدا می‌کند و یا عدالت اجتماعی را جدای از عدالت کلامی و اخلاقی در نظر می‌گیرد. و به جایگاه متفاوت عدالت در این فضاها توجه دارد. مثلاً عدل به مفهوم اجتماعی را که هدف نبوت است. از عدل به مفهوم فلسفی که خود مبنا و طریق برای اثبات معاد واقع می‌شود تفکیک می‌نماید. (57)

2 - اصل قانون و تبعیت از آن

در اندیشه شهید مطهری می‌توان به دو نوع کلی از قانون دست یافت.

1 - قوانین و احکام ثابت و لایتغیر

2 - قوانین متغیر

قانون در معنای اول معادل سنت‌های الهی است که این سنت‌ها یک سلسله قوانین ثابت و لایتغیر می‌باشد و به تعبیر دیگر خدا در جهان شیوه‌های معینی دارد که گردش کارها را هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌دهد. این قوانین از جنس قوانین موضوعه و قراردادی و اعتباری نیست و قابل تغییر و تبدیل نمی‌باشد. و اگر هم تغییراتی مشاهده می‌شود آن تغییرها معلول تغییر شرایط است و بدیهی است که هر سنتی در شرایط خاص جاری است و با تغییر شرایط سنتی دیگر جریان می‌یابد.

و قانون در معنای دوم عبارت از قوانین موضوعه و قراردادی و اعتباری است. (58) با توجه به تقسیم فوق از قانون می توان به سه معنا از قانون دست یافت:

1 - قانون به معنای سنت های الهی

2 - قانون به معنای کتاب و سنت (59)

3 - قوانین موضوعه و قراردادی به عبارت دیگر قوانین بشری

در سیره ی ائمه اطهار: (مشاهده می شود همگی به خاطر آگاهی از قانون الهی شایسته ترین مجری برای اجرای این قوانین بوده اند. در واقع ایشان همگی خود را تسلیم قانون الهی می دانند اما این مسأله به معنای بی توجهی به قانون موضوعه و بشری نیست زیرا در سیره ائمه احترام به قانون بشری مشاهده می گردد ایشان برای ایجاد نظم و آرامش در اجتماع و اتحاد ملت مسلمان و به عبارت دیگر مصلحت مردم و نظام اسلامی حتی قانون بشری را نیز قابل اجرا و لازم الاتباع می دانستند در واقع آن بزرگواران قانون در اجتماع را یک نیاز بشری و برای دوری از هرج و مرج و فتنه و آشوب لازم می دانستند و لذا سعی می کردند خود را ملزم به قانون و اجرای آن و تبعیت از آن نمایند و هم دیگران را با روش ها و اصول عملی به سنت قانون گرایی دعوت نمایند. از جمله اصول و شاخصه های قانون گرایی در سیره ی آنها می توان به اصل برابری و عدم تبعیض نژادی، برابری در حقوق و تکالیف، رعایت بیت المال و... اشاره نمود.

رابطه ی عدالت و قانون

همان طور که مطرح شد در اسلام عدالت ملاک و معیار همه چیز است. برخلاف گروهی که عدالت را ناشی از قانون موجود در جامعه می دانند شهید مطهری معتقد است که عدالت خودش واقعیتی فراتر از قانون دارد و تابع قوانین موضوعه نیست به عبارت واضح تر منشأ مشروعیت عدالت قانون نیست بلکه بر عکس، اعتبار و مشروعیت همه ی اینها تابع عدالت است یعنی عدالت حقیقی است فراتر از قانون و عرف و قرارداد. (60) بنابراین عدالت حقیقی است که ارزش ذاتی دارد، فی نفسه اعتبار دارد و این انتخاب افراد یا رفتار آنان است که باید با عدالت منطبق باشد (61) به طور کلی در سیره ی سیاسی ائمه: (نیز در مورد اصل عدالت می توان در مقام وارد بحث شد.

1 - عدالت فردی

2 - عدالت اجتماعی

در راستای عدالت اجتماعی نیز می توان به شاخصه هایی چون مساوات در برابر قانون اعطای حقوق مردم، نفی امتیازات طبقاتی برخورد نمود از طرفی در راستای اصل مزبور می توان به مصادیق بارزی چون قیام ظلم ستیزی

با توجه به عدالت فردی و عدالت اجتماعی، و همچنین نفی اصل غدر و خیانت، نفی تجاوز و تعدی، نفی انظلام و استرحام و... توجه نمود. در واقع در راستای اجرای اصل عدالت و عملی نمودن آن از ائمه: (رفتارهای سیاسی از جمله مبارزه و قیام، فداکاری و ایثار، تشکیل حکومت اسلامی مطلوب قابل ذکر می باشد).

3 - اصل مصلحت و مصلحت‌اندیشی

عنصر مصلحت و مصلحت‌اندیشی یکی از عناصر جدی و قابل بحث در سیره‌ی سیاسی معصومین: (می باشد به گونه‌ای بدون توجه به اصل مزبور بسیاری از رفتارها و روش‌های آن بزرگواران مورد سؤال واقع می شود. مفهوم مصلحت (62) و اقسام آن

مصلحت در لغت به معنای صلاح و سود شخصی در نظر گرفته می شود (63) در عربی معمولاً از آن را با نام اصلاح در مقابل فساد یا نقیض فساد به کار می برند. (64) اما از لحاظ اصطلاحی می توان آن را به معنای دفع ضرر و جلب نفع دین و دنیا معرض نمود. (65) بنابراین در اسلام مصلحت فقط به سود شخص و مادی تعبیر نمی شود بلکه مصلحت در اسلام هر دو جنبه مادی و معنوی را در بر می گیرد معمولاً مصالح ضروری را به پنج گونه‌ی اصلی دین، نفس، عقل، نسل، مال تقسیم می کنند این پنج گونه را کلیه مسلمانان به اجماع پذیرفته اند. (66) از دیدگاه شریعت اسلامی در صورت بروز هر گونه تقابلی میان این مصالح باید منفعت پایین تر را فدای منفعت عالی کرد. بنابراین پاسداشت از مصالح عالی همانند دین اگر مستلزم پاره‌ای از مصالح پایین تر یعنی جان باختن باشد ضروری و لازم است. لازم به ذکر است که در مورد لزوم تقدیم و تقدم در مصالح هنگام تزاخم با یکدیگر فی الجمله میان شیعه و سنی بلکه عقلاً مسلم است. (67)

تفاوت مصلحت در تفکر شیعه و سنی

مصلحت در فقه شیعه با فقه اهل سنت کاملاً متفاوت است یکی از مهم ترین تفاوت‌های مطرح شده میان این دو فرقه اسلامی در مورد بحث مصلحت این است که اهل سنت با اعتقاد به مصالح مرسله یعنی مصلحتی که نصی یا اجماعی بر اعتبار و یا عدم اعتبار آن یافت نشود. (68) این نوع مصلحت را به عنوان دلیل و مستندی برای استنباط احکام شرعی به حساب می آورند البته در صورت فقدان نص یا قیاس (69) اما در تفکر شیعه برای استنباط احکام شرعی نیازی به مصلحت نیست بدین سان مصلحت تنها به عنوان مستند و دلیل حکم حکومتی حاکم حجیت دارد نه حکم شرعی که مجتهدان آن را استنباط می کنند. (70)

بنابراین در این جا باید به دو نکته توجه کرد و آن این که:

اولاً: اگر چه اصل مصلحت به عنوان مبنای احکام اسلام می باشد به این معنا که ابتدای احکام بر مصالح و مفاسد نفس الامری و واقعی است و از ضروریات شیعه و اهل سنت است. (71) لیکن هیچگاه در تفکر فقهی شیعه به عنوان منبع استنباط حکم شرعی قرار نمی گیرد.

ثانیاً: عنصر مصلحت در تفکر فقهای شیعه از جمله امام راحل به عنوان روشی برای رسیدن به هدفی مهم تر در حکومت داری مورد استفاده واقع شده به عبارت دیگر به مثابه استراتژی سیاسی از آن بهره بردند و این استفاده روشی نیز از ناحیه شارع مقدس همچون عناصر دیگری چون اضطرار، عسرو حرج، تقیه، اهم و مهم، دفع افسد به فاسد... تأیید گردیده است. (72)

توجه به اصل فوق در سیره علوی و نبوی و سایر ائمه: (مؤید این ادعا می باشد. با توجه به مباحث فوق که به صورت کلی در مورد اصل مصلحت مطرح شد می توان گفت: این اصل در سیره سیاسی آن بزرگواران معمولاً به عنوان یک روش و یا هدف مد نظر بوده است به این معنا که هر انسانی بر اساس علت غایی و انگیزه خاص به ظهور رفتار معینی اقدام می کند و در انگیزه خود مصالح فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و یا معنوی را در نظر می گیرد و وقتی که با تراحم مصلحت ها روبرو شد عقلاً به مصلحتی که از اهمیت بیشتری برخوردار است توجه می کند.

از این رو مشاهده می کنیم اهمیت مصلحت در نظام اسلامی و حکومت دینی مضاعف است زیرا حکومت اسلامی متضمن احکام ثابت و متغیر و مسئول حل بحران ثبات دین و تغییرات زمان و مقتضیات متحول است در سیره سیاسی ائمه: (نیز محیط و شرایط آنها اقتضائاتی داشته و هر کدام از آنها مجبور بوده اند که به مقتضیات زمان خود توجه کنند البته باید توجه داشت که توجه به مصلحت اندیشی در سیره ائمه معصومین: (به معنای بی توجهی به قانون و یا عدالت نیست بلکه عمل بر اساس مصلحت اسلام و مسلمین در سیره آنها عین عدالت و مکمل قانون بوده است لذا باید توجه داشت که منطق منفعت پرستی یک منطق است و منطق حق پرستی و اصلاح منطق دیگری است. (73) و نمی توان رد پای از منطق منفعت پرستی به بهانه عمل بر اساس مصلحت در سیره آن بزرگواران یافت. اصل مصلحت در واقع به عنوان یکی از اصول حاکم بر سیره معصومین: (محسوب می شود و در قالب رفتارهایی چون دوراندیشی و توجه به مصلحت اسلام و مسلمین، به منظور ایجاد نظم و آرامش در جامعه، صلح، حکمیت و غیره نمود یافته است.

4 - اصل امر به معروف و نهی از منکر

این اصل در تفکر شهید مطهری به عنوان یکی از اصول عملی اسلام است و چون اصلی است که در خود قرآن با صراحت آمده و در آثار نبوی و اخبار ائمه درباره‌ی آن سخن گفته شده بسیاری بدیهی می‌باشد به گونه‌ای که ایشان این اصل را مصداق دفاع از حقوق انسانی تلقی می‌کند و بیان می‌دارد. (74)

«گاهی یک امری که به بشریت یعنی به مصلحت بشریت تعلق دارد مورد تجاوز است یعنی آن جا که خوبی‌ها و بدی‌ها دو دسته می‌شوند دسته خوبی‌ها باید در اجتماع برقرار شود و دسته‌ی بدی‌ها باید از اجتماع برود حال اگر فردی در این میان قیام کرد از چه دارد دفاع می‌کند؟ از حق معنوی که به انسان‌ها تعلق دارد.» (75)

مفهوم امر به معروف و نهی از منکر همچنین ایشان در معنی معروف و منکر مطرح می‌کند:

«کلمه معروف شامل همه‌ی هدف‌های مثبت اسلامی و کلمه‌ی منکر شامل همه‌ی هدف‌های منفی اسلامی می‌گردد» (76)

امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقای اسلام از دید شهید مطهری هر چند که قیام امام حسین (7) شأن این اصل را بالا برد (77) اما باید توجه نمود که: «نهضت حسینی ارزش اصلی خودش را از امر به معروف و نهی از منکر گرفته است. [از دید ایشان] امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است و به اصطلاح علت مبقیه است اصلاً اگر این اصل نباشد اسلامی نیست.» (78)

اصلی که اگر نباشد دنبالش تفرق و دنبالش تفکیک و از میان رفتن و گنبدن پیکر اجتماع است. (79)

تمسک ائمه اطهار: (در مواقع مختلف به این اصل نشان اهمیت و جایگاه آن در اسلام است. این اصل نیز در قالب:

- 1 - راهنمایی خلفا و مردم
 - 2 - انتقاد از حکومت
 - 3 - مبارزه و قیام
 - 4 - تشکیل حکومت به عنوان بزرگ‌ترین معروف سیاسی نمود یافته است.
- 4 - اصل قدرت

مفهوم قدرت معمولاً یادآور مفاهیمی چون زور، خشونت، ترور، استبداد و امثال آن می باشد. عده ای آن را فسادآور و گروهی دیگر آن را جوهره‌ی سیاست می دانند و آن را عنصری جدایی ناپذیر از سیاست و تدبیر جامعه می دانند.

بحث قدرت، اقتدار و اعمال زور مباحثی گسترده در حوزه‌ی دانش سیاسی را به خود اختصاص داده اند که از حوصله‌ی این بحث خارج است. در این پژوهش منظور از قدرت به معنای توانا بودن می باشد. اما آن چه مسلم است دیدگاه اسلام به قدرت و اعمال زور است در جهان بینی الهی منشأهر قدرتی خداوند است در واقع در جهان بینی الهی که ماهیت از اوئی و به سوی اوئی دارد منشأ و هدف قدرت خداوند است. پس تمامی قدرت‌ها از خداست.

«انَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (80) و یا «لَا قُوَّةَ إِلَّا لِلَّهِ...» (81)

بنابراین قدرت سیاسی در اسلام نیز مشروعیت خود را از ناحیه خداوند می گیرد و هر قدرتی مجزا از وحی نامشروع تلقی می گردد. در ضمن در تفکر اسلامی نیز بحث اقتدار و قدرت و اعمال زور به زیبایی از یکدیگر تفکیک می گردد.

شهید مطهری نیز درباره‌ی اصل قدرت می فرماید.

«ما یک اصل داریم به نام اصل قدرت و یک اصل دیگر داریم به نام اصل اعمال زور. اصل قدرت یعنی اصل

توانا بودن. توانا بودن برای این که دشمن طمع نکند نه توانا بودن برای تو سر دشمن زدن» (82)

ایشان با اشاره به آیه 60 سوره انفال

«واعدولهم ما استطعتم من قوه...»

بیان می کند اصل اقتدار مقتدر بودن و اصل نیرومند بودن در حدی که دشمن بترسد و به خود اجازه تهاجم ندهد

مقصود و مد نظر آیه می باشد. (83)

همچنین ایشان درباره نسبی یا مطلق بودن این اصل مطرح می کند:

آیا این اصل یک اصل مطلق است یا یک اصل نسبی؟ آیا اسلام این اصل را در یک زمان خاص معتبر می داند یا در همه‌ی زمان‌ها؟

ایشان در پاسخ به این سؤالات مطرح می کند تا مادامی که دشمن هست. اصل قدرت هم وجود دارد. شهید مطهری با تفکیک اصل قدرت از اصل اعمال زور مطرح می سازد که اصل قدرت غیر از اصل اعمال زور است. حال باید ببینیم که در سیره ائمه اطهار آیا اعمال زور وجود داشته یا خیر؟ ایشان با تأکید بر این امر که اصل قدرت همیشه مدنظر بوده و به صورت مطلق در همه‌ی زمان‌ها می باشد اذعان می دارد اما اصل اعمال زور در

سیره نبوی به صورت نسبی اجرامی شده است در واقع به عنوان آخرین راه حل (84)، از موارد اعمال زور در سیره ایشان می توان به جنگ‌ها، اجرای حدود و قصاص و... اشاره نمود.

بنابراین در سیره ائمه اطهار: (توجه جدی به اصل قدرت و اقتدار اسلام مشاهده می گردد اما در مواقعی می بینیم که برخی از ائمه به دلایل شرایط و اوضاع زمان موفق به اجرای این اصل نگردیده اند. و به اصل اعمال زور هم تا حدودی توجه داشتند. اما همیشه عنصر مقتضیات زمان مدنظر آنها بود. در واقع آنها همان گونه که در روایت می خوانیم «طیب دوار» بوده اند و هر دو اصل مورد توجه آنها بوده ولی «جای هر کدام را می شناختند» هم مرهم داشتند وهم هستیم. (85)

ایشان می دانستند که لازمی اجرای عدالت واقعی امر به معروف و نهی از منکر و اجرای قانون الهی نیاز به قدرت و اعمال زور نسبی دارد به عبارت دیگر لازمه عملی شدن و اجرای تمامی اصول پیش توجه به اصل قدرت و استفاده از اعمال زور می باشد که این مهم نیز میسر نمی شود مگر به تشکیل حکومت اسلامی اما متأسفانه می بینیم که تاریخ سیاسی اسلام نشان می دهد که شرایط و مقتضیات زمان و عدم همراهی مردم فرصت تشکیل حکومت را به بسیاری از ائمه: (نداد. اما این به معنای بی توجهی ائمه به اصل اقتدار و قدرت و تشکیل حکومت نیست زیرا تلاش آنها در جهت مخالف با حکام ظالم و زمینه سازی برای رسیدن به این هدف نشان می دهد که ایشان اهتمام خاصی به اصل فوق داشته اند.

تطبیق نظرات امام راحل با توجه به اصول حاکم بر سیره به طور کلی و با توجه به مباحث این فصل سعی خواهد شد با جستجوی این اصول در اندیشه امام راحل در مورد سیره سیاسی ائمه به بررسی نوع رفتارهای ائمه و سیره سیاسی آنها پرداخته شود چرا که امام خمینی به عنوان یک متفکر شیعی بیش از آن چه به چگونگی سیره ائمه: (و نقل تاریخ حوادث و اتفاقات زمان آنها پردازد و به چرایی و چیستی این سیره پرداخته است ایشان نیز همچون شهید مطهری بیشتر به تحلیل سیره معصوم: (توجه دارند تا بیان رفتارهای صرف ایشان در واقع امام (4) بیشتر به نوع و کیفیت مبارزه و شیوه عملی آن بزرگواران توجه داشته اند. و هیچ گاه در صدد بیان جزئیات و سیره آنها نبوده اند. زیرا ایشان در بیانات و آثار خویش بیشتر به کلیات و سیره معصومین: (پرداختند و هیچ گاه در صدد سیره نویسی و یا شرح حال آنها نبوده اند با این توضیحات می توان با توجه به مباحث امام راحل در مورد سیره سیاسی ائمه معصومین: (به صورت گذرا و ضمنی دوره های مختلف ذیل را مشاهده نمود.

1 - دوره حکومت نبوی و بنیانگذاری حکومت اسلامی توسط ایشان در مدینه

- 2 - دوره سکوت نسبی مولای متقیان (7) به مدت بیست و پنج سال میان رحلت پیامبر (9) تا آغاز خلافت امیرالمؤمنین (7).
 - 3 - دوره‌ی به قدرت رسیدن امیرالمؤمنین (7) به مدت چهار سال و نه ماه خلافت امیرالمؤمنین (7) و چند ماه خلافت امام حسن (7).
 - 4 - دوره‌ی تلاش سازنده و قیام برای محو حکومت جور و تشکیل حکومت عادلانه اسلامی این دوره شامل بیست سال بین صلح امام حسن (7) (در سال 41) و شهادت امام حسین (41) (7 هجری) می‌باشد. در واقع این دوره را می‌توان از صلح تحمیلی بر امام حسن (7) تا قیام عاشورا را در نظر گرفت.
 - 5 - این دوره عملاً کار نیمه مخفی شیعه و ائمه): در قالب تقیه و روش‌هایی چون دعا و مبارزات فرهنگی آغاز گردید به عبارت دیگر از امام سجاد (7) به بعد این حرکت آغاز شد. ادامه کار نیمه مخفی شیعه به رهبری امامان در برنامه‌های دراز مدت و ویژگی‌های این دوره می‌باشد همچنین تبیین اصول و تفکر تشیع و نشان دادن بدعت‌ها و تحریف‌ها، زمینه‌سازی برای رسیدن به اهداف از طریق مبارزات فرهنگی و تربیت کادر انسانی.
 - 6 - دوره حکومت جهانی حضرت مهدی (7) که منجی بشریت و اجرا کننده‌ی عدالت واقعی در جهان خواهد بود.
- اگر چه تطبیق این دوره‌ها به صورت ضمنی در مباحث آینده خواهد آمد اما بیشترین هدف پژوهش بررسی اصول حاکم بر سیره‌ی آن بزرگواران می‌باشد زیرا این اصول ماهیت و نوع سیره‌ی آنها را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که اگر چه ائمه معصومین): در برابر حکومت‌های غاصب‌از شیوه‌ها و مبارزات خاصی استفاده کرده‌اند اما این اصول نشانگر اشتراک آنها در هدف و مبارزه است. بنابراین با توجه به دیدگاه‌های امام راحل و شهید مطهری در مورد سیره‌ی سیاسی معصومین): (باید اشاره کرد که در این پژوهش در صدد بیان حوادث و رفتارهای صرف آن بزرگواران نیستیم به عبارت دیگر هدف در این پژوهش سیر نویسی نیست بلکه بیشتر سیره و روش آنها در امر مبارزه، قیام و تشکیل حکومت بررسی می‌شود. لازم به ذکر است که مباحث این فصل در شکل زیر نشان داده می‌شود.

نمودار 3 - اصول حاکم بر سیره سیاسی معصومین)ع)

بینش

توحیدی

اصل قدرت ی اصل امر به معروف و نهی از منکر اصل مصلحتن و قانونگرایی («اصل قانون و قانونگرایی») اصل عدالت «سیره سیاسی دانش قدرت ی نفی انظلام و استرحام ام تساوی در برابر قانون مصلحت استراتژی حکومت بزرگترین معروف سیاسی اقتدارت ی مصلحت اسلام نفی تبعیض طبقاتی عدالت اجتماعی، نفی عذر، نفی تعدی عقل لت اجتماعی، نفی عذر، نفی تعدی و حیل لت اجتماعی، نفی عذر، نفی تعدی عدالت فردی، ظلم ستیزی، قیام تعدی تفسیر و ترویج قانون، تبعیت از قانون مصلحت مسلمین ظلم ستیزی، قیام تعدی

درآمد ...)